

زیپگنپو برژینسکی

انتخاب: سلطه یارہبری

ترجمہ امیر حسین نوروزی



نشرنی

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

30book



نشرنی

انتخاب: سلطه یا رهبری
زیگنیو برژینسکی (برژینسکی)

مترجم: امیرحسین نوروزی
چاپ دوم: تهران، ۱۳۹۴
تعداد: ۳۰۰ نسخه
چاپ و صحافی: پردیس دانش

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۴ ۹۳۵ ۳۱۲ ۹۶۴ ۹۷۸

www.nashreny.com

فهرست مطالب

۷	پیشگفتار مترجم
۱۱	پیشگفتار

بخش ۱. هژمونی امریکا و امنیت جهانی

۲۳	فصل اول. معضلات ناامنی ملی
۲۳	پایان امنیت مطلق
۳۵	قدرت ملی و نزاع بین‌المللی
۴۴	تعریف تهدید جدید
۶۵	فصل دوم. معضلات بی‌نظمی نوین جهانی
۶۷	قدرت در ضعف
۷۳	اسلام متلاطم
۸۷	باتلاق هژمونیک
۹۷	اقدام استراتژیک اما مشترک
۱۱۶	فصل سوم. معضلات مدیریت متحدان
۱۲۱	هسته‌ی جهان

- ۱۴۲ ثبات شکننده‌ی شرق آسیا
- ۱۶۲ انتقام اوراسیا؟

بخش ۲. هژمونی امریکا و مصالح عمومی

- ۱۸۳ فصل چهارم. معضلات جهانی شدن
- ۱۸۵ جهانی شدن: دکترین منطقی هژمونی جهانی
- ۱۹۵ جهانی شدن: آماج نمادسازی وارونه
- ۲۱۲ جهانی بدون مرز، ولی نه برای انسان‌ها
- ۲۳۱ فصل پنجم. معضلات دموکراسی هژمونیک
- ۲۳۲ امریکا: وسوسه‌ی فرهنگی جهان
- ۲۴۳ چندفرهنگی و انسجام استراتژیک
- ۲۵۴ هژمونی و دموکراسی
- ۲۷۳ نتیجه‌گیری و خلاصه: سلطه یا رهبری
- ۲۹۵ نمایه

پیشگفتار مترجم

برژینسکی *انتخاب* را در اوائل ۲۰۰۴ منتشر کرد، یعنی زمانی که کم‌تر از سه سال از حادثه‌ی یازده سپتامبر گذشته بود. او در این کتاب که در سال ۲۰۰۵ نیز تجدید چاپ شد مسائل کلان پیش روی نقش هژمونیک ایالات متحده در ابتدای قرن بیست‌ویکم را موشکافی می‌کند، مسائلی همچون امنیت ملی، امنیت جهانی، جهانی‌شدن و رابطه‌ی شکننده‌ی دموکراسی و هژمونی.

پیشینه‌ی دوراهین یا انتخاب اساسی آمریکا در قرن بیست‌ویکم به فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد برمی‌گردد. برخی امریکایی‌ها ابتدا سرمست از پیروزی در جنگ سرد «پایان تاریخ» را اعلام کردند، با این تصور که با نابودی کمونیسم دیگر چالشی بر سر راه هژمونی جهانی آمریکا وجود نخواهد داشت. اما درحالی‌که در طول جنگ سرد مسائل روشن و مشخص بود، پس از آن موضوع پیچیده‌تر شد: اول آن‌که بسیاری معضلات جهانی به دلیل رقابت‌های دوقطبی جنگ سرد پنهان مانده بود که کم‌کم خود را نمایان می‌کرد. دوم آن‌که با نابودی شوروی باید تعریف جدید و جامعی از نقش جهانی هژمونیک آمریکا ارائه می‌شد، آن هم در عصری که تکنولوژی و ارتباطات جهانی موجب بیداری ملت‌های جهان شده است. سوم آن‌که نقش جدید جهانی آمریکا چگونه باید اجرا می‌شد.

با آن‌که به نظر می‌رسد اکنون بسیاری از معضلات جهانی پنهان مانده در دوران جنگ سرد کم‌کم سر برآورده است، معضلاتی که اوج آن در حادثه‌ی یازده سپتامبر پدیدار شد، اما تعریف نقش هژمونیک امریکا همچنان با ابهامات و کاستی‌هایی روبه‌رو است، امری که برژینسکی آن را در این پرسش خلاصه می‌کند: «هژمونی برای چه؟». در نتیجه موضوع سوم یعنی نحوه‌ی اجرای نقش هژمونیک امریکا نیز همچنان مبهم و مورد بحث است. این ابهامات را می‌توان به روشنی در مقالات و نوشته‌های فراوان نظریه‌پردازان و محققان سیاست خارجی امریکا مشاهده کرد. اختلاف عمیق امریکا و اروپا در جنگ عراق که برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم رخ داد و نیز بحث‌های داغ و جدی داخل امریکا در این مورد تجلی روشنی از این موضوع است.

در حالی که برژینسکی سخت تأکید می‌کند مهم‌ترین شریک و متحد امریکا در دوران پس از جنگ سرد همچنان باید اروپا باشد و ائتلافی از نوع ائتلاف جنگ سرد تنها راه‌حل معضلات جهانی پیش روی امریکا است، برخی نظریات متفاوت و کاملاً جدی نیز در امریکا مطرح است، نظریاتی که در آن‌ها گفته می‌شود دوران ائتلاف طلایی امریکا و اروپا در دوران جنگ سرد به سرآمده است، به دلایلی همچون نابودی دشمن مشترک، منافع متفاوت دوسوی آتلانتیک، ظهور اتحادیه‌ی اروپا، و ظهور قدرت‌های جدید جهانی همچون چین و هند. در نتیجه ایالات متحده باید با توجه به واقعیات جدید جهانی و نیز عدم همراهی اروپا با امریکا در جنگ عراق جداً در ائتلاف‌های خود تجدیدنظر کند. ردپای این افکار را می‌توان در چرخش‌های استراتژیک دولت بوش در انتخاب متحدان خود در نبرد علیه تروریسم جهانی یا در عباراتی مثل «اروپای پیر» یافت.

در هر حال بحث‌ها و تحلیل‌های عمیق و دقیق برژینسکی دست‌کم از دو جهت می‌تواند برای ما مهم باشد. اول آن‌که سیر تحولات نظری و عملی داخل امریکا را پیش روی ما می‌نهد، امری که به‌خصوص با توجه به سیاست

پیشگفتار

بحث اصلی من در مورد نقش امریکا در جهان ساده است. قدرت امروزی امریکا که قویاً بر استقلال این کشور تصریح دارد، بزرگ‌ترین ضامن ثبات جهانی است و در عین حال جامعه‌ی امریکا روندهای اجتماعی عالمگیری را برمی‌انگیزد که خود استقلال ملی سنتی را تضعیف می‌کند. قدرت امریکا و پویایی اجتماعی آن در کنار یکدیگر می‌توانند به ایجاد تدریجی جامعه‌ی جهانی مبتنی بر منافع مشترک کمک کنند. اما اگر از آن‌ها سوءاستفاده شود یا در تضاد با یکدیگر قرار گیرند، می‌توانند جهان را به هرج و مرج بکشانند و امریکا را مستأصل کنند.

قدرت امریکا در آغاز قرن بیست و یکم از جهات گوناگون بی سابقه است: وسعت جهانی قدرت نظامی امریکا، اهمیت فوق‌العاده‌ی طراوت اقتصادی آن برای سلامت اقتصاد جهان، تأثیر عمیق پویایی فناوری آن و جذابیت جهانی فرهنگ عمومی متنوع و اغلب مادی امریکایی. همه‌ی این‌ها نفوذ و قدرت سیاسی جهانی منحصر به فردی به امریکا می‌دهد. خوب یا بد، امریکا پیشگام جهان است و رقیبی برای آن متصور نیست.

اروپا شاید از نظر اقتصادی هم‌اورد امریکا باشد، اما مدت‌ها طول خواهد کشید تا به چنان درجه‌ای از اتحاد و یگانگی دست یابد که بتواند از نظر

جهانی آشکارا روبه افزایش است و نوع بشر را بالقوه تهدید می‌کند، وابستگی مطلق به همکاری‌های چندجانبه می‌تواند نسخه‌ای باشد برای رخوت و انفعال استراتژیک. درعین حال، اتکای یکسره بر کاربرد یکجانبه‌ی قدرت مطلق، به‌خصوص اگر همراه با تعریف منفعت‌طلبانه‌ای از تهدیدهای در حال ظهور باشد، می‌تواند به انزوا، خودبزرگ‌بینی روزافزون و آسیب‌پذیری فزاینده در مقابل ویروس دشمنی با امریکا منجر شود، و پیروسی که در سراسر جهان در حال انتشار است.

امریکای نگرانی که فکر و ذهنش یکسره به امنیت خویش مشغول است می‌تواند در جهانی متخاصم منزوی شود. اگر قرار باشد تلاش امریکا برای این‌که خود به‌تنهایی به امنیت دست یابد از کنترل خارج شود، می‌تواند سرزمین آزادی را به کشوری پادگانی تبدیل کند که همواره در این اندیشه به سر می‌برد که در محاصره است. اما در همین حال پایان جنگ سرد هم‌زمان شده است با اشاعه‌ی گسترده‌ی دانش و توانایی مورد نیاز برای ساختن سلاح‌های کشتار جمعی، نه‌تنها در میان کشورهای بزرگ حتی بالقوه در میان گروه‌های سیاسی با انگیزه‌های تروریستی.

مردم امریکا با واقعیت دهشتناکی «دو عقرب در یک بطری» شجاعانه برخورد کردند، یعنی این واقعیت که ایالات متحده و شوروی یکدیگر را با زرادخانه‌های بالقوه ویرانگر هسته‌ای باز می‌داشتند. اما آن‌ها اینک با خشونت رو به گسترش، اقدامات متناوب تروریستی و اشاعه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی بیش از قبل مشوش شده‌اند. امریکایی‌ها احساس می‌کنند در این شرایط سیاسی مبهم و غیرقابل پیش‌بینی که گاهی از نظر اخلاقی دوپهلوی و اغلب سردرگم‌کننده است، دقیقاً به این علت خطر در کمین امریکا نشسته است که این کشور قدرت برتر جهانی است.

برخلاف قدرت‌های هژمونیک قبلی، امریکا در دنیایی قرار دارد که در آن پیوندها و ارتباطات روزبه‌روز نزدیک‌تر و بیش‌تر می‌شوند. قدرت‌های جهانی پیشین مثل بریتانیا در قرن نوزدهم، چین در دوران مختلف تاریخ

نقش جهانی ایالات متحده در قرن بیست و یکم چیست و امریکا چگونه می‌تواند آن را ایفا کند؟ معضلات امریکا در ایفای این نقش چیست؟ آیا ایالات متحده می‌تواند از نقش جهانی خود دست بکشد؟ اگر نه هدف غائی این نقش چیست؟ متحد استراتژیک امریکا در این راه کیست؟ چگونه می‌توان میان امنیت ملی، دموکراسی، جهانی شدن، فرهنگ جهانی و هژمونی تعادل برقرار کرد؟ پرسش‌هایی از این دست پرسش‌هایی به ظاهر ساده‌اند که برژینسکی در این کتاب با توجه به جهان بینی خود — که البته یک جهان بینی ریشه‌دار امریکایی است — در آن‌ها غور می‌کند و در راه پاسخ به آن‌ها ظرایف و دقایق فراوانی را پیش روی می‌نهد.

ISBN 978-964-312-935-4



9 789643 129354



نشرنی